

شناسایی در ارتفاعات مهران

مجید خلخالی که بین دوستان و رفقای رزمنده اش به حاج مجید شناخته شده است، می‌گوید: خاطرات جنگ آن قدر زیاد است که انتخاب یکی از آن‌ها کار سختی است؛ خاطراتی که هم تلخی دارند و هم شیرینی.

این رزمنده که رئیس هیئت مدیره مؤسسه فرهنگی پیشگامان معبر عشق است، یکی از خاطراتش از عملیات والفجر ۳ را تعریف می‌کند: من به همراه نیروهای اطلاعات عملیات، مأمور شناسایی مسیرهایی بودم که قرار بود رزمندگان در شب عملیات از آن عبور کنند. منطقه عملیاتی مهران نیمه کوهستانی، صعب‌العبور و در دید مستقیم دشمن بود. نیروهای شناسایی معمولاً از اوایل شب یا ابتدای صبح حرکت می‌کردند تا بتوانند مسیر را بررسی کنند و پیش از روشن شدن هوا برگردند. خلخالی که آن زمان پانزده ساله بوده است، ادامه می‌دهد: پس از پایان مأموریت، موقع بازگشت دیگر نه آبی همراهان می‌ماند، نه غذایی و نه جانی؛ اما مجبور بودیم در آن سن و سال کم، خودمان را به عقب برسانیم. گاهی از همان آب می‌نوشیدیم تا بتوانیم مسیر را ادامه دهیم.

در میدان جنگ ترکیبی امروز

خلخالی که از سال‌های ۵۹ تا ۷۱ به جز یکی دو سال در منطقه حاضر بوده، معتقد است نوجوانی نسل رزمندگان در همان سختی‌ها شکل گرفت. او می‌گوید: بیشتر نیروهای آن روزها نوجوانانی کم‌سن و سال بودند که امروز هر کدام صاحب فرزند و نوه شده‌اند، اما همچنان همان روحیه احساس تکلیف را حفظ کرده‌اند.

آقامجید با اشاره به تحولات سال‌های اخیر می‌گوید: شکل جنگ‌ها تغییر کرده و امروز علاوه بر میدان نظامی، «جنگ ترکیبی» در جریان است. همان رزمندگانی که روزی در میدان نبرد نظامی حضور داشتند، امروز در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای احساس مسئولیت می‌کنند. او همچنین از روزی یاد می‌کند که خبر شهادت «امام شهید» را پس از نماز صبح شنید: «شوکه بزرگی برای نیروهای انقلابی بود و باعث شد دوباره بسیاری از رزمندگان قدیمی برای انجام وظیفه وارد میدان شوند.» این رزمنده تأکید می‌کند: تا وقتی نفس داریم، پای کار انقلاب و رهبری هستیم و امید داریم پایان این مسیر، پیروزی جبهه مقاومت و شکست دشمنان اسلام باشد.

ادامه جهاد در میدانی دیگر

امشب رزمندگان قدیمی یادبودی برای سالگرد سردار شهید سید مجید آیافت گرفته‌اند. هر کدام مشغول ظفت و رفت بخشی از کار هستند؛ هماهنگی صوت، مداح و هدایت جمعیت به سمت مراسم.

قاسم وجدانی، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی «پیشگامان معبر عشق»، درباره شکل‌گیری موبک ایران متحد می‌گوید: رزمندگان قدیمی سال‌هاست هر کدام در قالب جلسات جداگانه‌ای مثل دعای ندبه و توسل دورهم جمع می‌شوند. برای همین تصمیم گرفتند رزمندگان همه رسته‌های مختلف دفاع مقدس را در کنار یکدیگر جمع کنند تا انسجام و رفاقت میان نیروها حفظ شود. با آغاز جنگ تحمیلی سوم، نیروهایی از لشکر ۵ نصر، تیپ ۲۱ امام‌رضا^(ع) و قرارگاه انصار، هر چه در توان داشتند، به میدان آوردند تا سهمی دیگر در این دوره از جنگ داشته باشند.

وجدانی که بین سال‌های ۶۰ تا ۶۵ در جبهه حضور داشته است، این فضا را یادآور روزهای دفاع مقدس می‌داند و اضافه می‌کند: یکی بلندگو آورده، یکی تجهیزات صوت، یکی چای و قند تهیه کرده و دیگری مسئول نگهداری و امور اجرایی شده است.

تعلق خاطر به رهبر انقلاب

این رزمنده دفاع مقدس با بیان اینکه چهار پسرش در همین موبک فعال‌اند، اضافه می‌کند: نسل قدیم تلاش کرده است فرزندان و خانواده‌های خود را نیز وارد این فضا کند تا پیوند نسل‌ها حفظ شود.

او با یادآوری خاطره‌ای از دوران دفاع مقدس و شهید «جواد قربانی»، رزمنده‌ای چوپان زاده که در عملیات والفجر ۹ همراه نیروهای شناسایی در مناطق غرب کشور حضور داشت، تعریف می‌کند: جواد نی‌لبکی داشت و شب‌ها برای بچه‌ها می‌نواخت. روزی به شوخی به او گفته بودند شاید نواختن نی لبک از نظر شرعی اشکال داشته باشد و بهتر است از امام خمینی^(ع) سؤال کند. تعلق خاطر او به رهبر انقلاب باعث شد نامه‌ای برای امام^(ع) بنویسد. برخلاف تصور همه، چند روز بعد پاسخ را دریافت کرد. با دستخط حضرت امام نوشته شده بود: «جایز نمی‌باشد». وجدانی می‌گوید: جواد با علاقه زیادی که به نی لبکش داشت، همان شب آن را کنار گذاشت و دیگر مانند دیدیم که سراغش برود.



شده‌اند؛ روزگاری که در نوجوانی از جسم و سلامتی‌شان در جنگ گذشتند و شب‌هایی که با اتکا به تجربه همان سال‌ها، می‌خواهند میهن دوستی را در نسل جدید تقویت کنند. در موبک بخش‌های دیگری هم تدارک دیده‌اند، مثل غرفه فرهنگی. در کنار حضور خانواده‌ها و مراسم معنوی که در ساعت‌های مختلف برگزار می‌شود، شاید مهم‌ترین بخش موبک، همین غرفه باشد که گفت‌وگوهای تبیینی در آن شکل می‌گیرد. البته جوان‌هایی هم هستند که بی‌تفاوت از کنار فضا عبور می‌کنند. اعضای موبک می‌گویند: اصل کار ما همین‌ها هستند. جوان‌هایی که شاید به سختی بیایند پای صحبت یک رزمنده بنشینند، اما وقتی حرف درست بشنوند نگاهشان تغییر می‌کند. این رزمندگان می‌خواهند نشان دهند جنگ همان جنگ است. فقط شکل و شمایل خاکریزها عوض شده است.

